

نظام انتخاباتی کارآمد مجلس شورای اسلامی در پرتو نظام‌های انتخاباتی

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱۴

تاریخ تأیید: ۹۵/۲/۱۲

حسن خسروی*

نظام انتخاباتی شیوه و سازوکاری برای تبدیل آرای مردم به کرسی‌های نمایندگی است. گزینش نوع نظام انتخاباتی تأثیر بسزایی در تحقق انتخابات واقعی و اصیل، صیانت از حقوق انتخاباتی و تشکیل پارلمان کارآمد دارد. نظام انتخاباتی مجلس زمانی کارآمد خواهد بود که متناسب با ماهیت و ساختار نظام سیاسی کشور، اصول و قواعد انتخابات رقابتی و منصفانه و توزیع عادلانه و منصفانه کرسی‌های نمایندگی بین رقبای باشد. این مقاله ضمن مطالعه اصول و قواعد حاکم بر گزینش نظام انتخاباتی و تشریح و ارزیابی انواع نظام‌های انتخاباتی، در پی پاسخ‌دهی به این پرسش است که - با در نظر گرفتن ماهیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران - کدام نظام انتخاباتی می‌تواند اصل نمایندگی، مجلس کارآمد، مشارکت حداکثری عموم، حقوق کاندیداها، احزاب و مردم و انتخابات منصفانه و رقابتی را محقق کند. با درک این امر که قانون اساسی بر اصول برابری، آزادی، عدم تبعیض، حق مشارکت سیاسی عام، اصل نمایندگی ملی، استقلال و وحدت تأکید کرده است، این مقاله نظام انتخاباتی ترکیبی «اکثریتی - تناسبی» را به عنوان نظامی مطلوب و کارآمد برای تحقق این ارزش‌ها و غایات، موجه‌سازی و پیشنهاد می‌کند.

* استادیار دانشگاه پیام‌نور مرکز شهر ری.



کلیدواژگان: انتخابات، نظام انتخاباتی، مجلس کارآمد، کرسی نمایندگی، حقوق انتخاباتی.

درآمد

مهم‌ترین مؤلفه و عنصر نهاد انتخابات، نوع نظام انتخاباتی و شیوه تخصیص و توزیع کرسی‌های نمایندگی است؛ چراکه به سایر عناصر نظام انتخابات، برگزاری قاعده‌مند فرایند انتخابات و توزیع کارآمد و منصفانه کرسی‌های نمایندگی انسجام می‌بخشد. همچنین نظام انتخاباتی به طور مستقیم و غیرمستقیم بر سایر بخش‌های نظام سیاسی، نظیر نظام احزاب سیاسی، تفکیک ایدئولوژی‌های سیاسی، نمایندگی قشرها و گروه‌ها و منافع مختلف اجتماعی، مشروعیت نظام سیاسی، پاسخ‌گویی نمایندگان، ثبات سیاسی کشور، برقراری نظم و امنیت عمومی و تأمین اعتماد، تأثیرگذار است.

با توجه به نقش مهم نظام انتخاباتی در تبدیل آرای مردم به کرسی‌های نمایندگی، گزینش نوع نظام انتخاباتی مطلوب و کارآمد و مدنظر قرار دادن شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی، امری اساسی در مطالعه حقوق انتخابی است. بر اساس این، پرسش‌های بنیادینی در خصوص چگونگی انتخاب نوع نظام انتخاباتی قابل طرح است: گزینش نوع نظام انتخاباتی از چه اصول، قواعد و معیارهایی تبعیت می‌کند؟ هر کدام از نظام‌های انتخاباتی تجربه شده چه مزایا و معایبی دارند؟ با توجه به ماهیت و ساختار جمهوری اسلامی ایران، بهترین و کارآمدترین نظام انتخاباتی برای مجلس شورای اسلامی کدام است؟

پاسخ‌دهی به این پرسش‌ها مستلزم مطالعه و ارزیابی انواع نظام‌های انتخاباتی، توجه به ظرفیت‌های قانون اساسی و دانستن این است که «انتظار ما از انتخابات چیست» (ایوبی، ۱۳۷۸ (الف)، ص ۱۲۸) و «چه انتظاری از نظام انتخاباتی داریم» (هوروویتز، ۱۳۸۶، ص ۴۰۴).

رویه دولت‌ها کثرت و تنوع نظام‌های انتخاباتی را تأیید می‌کند (گودوین گیل، ۱۳۷۹، ص ۴۳). از این رو، نظام انتخاباتی تأثیر بسیار مهمی بر نوع نظام سیاسی و بخش‌های مختلف نظام انتخابات، نظیر توزیع نمایندگی، حوزه‌بندی مناطق مختلف کشور، نحوه رأی دادن، شیوه ثبت نام رأی‌دهندگان، کاندیداها و احزاب، نحوه شمارش آراء و صلح و ثبات سیاسی کشور، دارد (Blais and Poewen, 2003, p.42; ر.ک: خانمحمدی، ۱۳۹۲؛

خلیلی، ۱۳۹۱). لذا گزینش نظام انتخاباتی مهم‌ترین عامل در تحقق انتخابات منصفانه و رقابتی است و باید به انواع و مدل‌های مختلف نظام انتخاباتی، فضاها و سیاست‌های سیاسی‌ای که در آنها هر کدام از نظام‌ها کارآمد است و همچنین مزایا و معایب نظام‌های انتخاباتی (Benoti, 2004, p.363-389) اشراف داشت و به نوعی در «پیشبرد ایده نظام مردم‌سالار» (Norris, 1997, p.297-312) حرکت کرد.

۱. تعریف نظام انتخاباتی

در بیانی عام، نظام انتخاباتی قواعدی است برای انتخاب مقامات عمومی انتخابی؛ اما به طور خاص، تعاریف مختلفی از نظام انتخاباتی شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) نظام انتخاباتی در بردارنده قواعدی است که به سبب آنها آراء به کرسی‌های نمایندگی تبدیل می‌شود (IDEA, 2005, p.25).

ب) مقصود از نظام انتخاباتی، اتخاذ شیوه‌ای است که نتایج آن به بهترین وجه منعکس‌کننده گرایش‌های رأی‌دهندگان باشد (قاضی، ۱۳۷۲، ص ۷۲۸).

ج) نظام انتخاباتی، نظامی است که آراء را به مناصب و پست‌های سیاسی تبدیل می‌کند. مهم‌ترین ابعاد این بحث عبارت‌اند از: فرمول انتخاباتی (نظام اکثریت ساده، اکثریت مطلق، نمایندگی تناسبی)، وزن عددی حوزه‌های انتخاباتی (نمایندگان هر حوزه، حد نصاب اکثریت مطلق، نمایندگی تناسبی)، حد نصاب انتخاباتی (حداقل حمایتی که هر حزب برای کسب کرسی به دست می‌آورد) و ساختار برگه رأی (بشیریه، ۱۳۸۱، ص ۱۵۶).

د) نظام‌های انتخاباتی، قواعدی هستند که چگونگی ریخته شدن آراء به صندوق، شمارش آراء و توزیع آراء بین نمایندگان را نشان می‌دهند (LeDue and Niemi, 2003, p.40).

ه) نظام انتخاباتی دسته‌ای از قوانین برای به نتیجه رساندن یک انتخابات است. این قوانین مشخص می‌کنند که کدام یک از مناصب عمومی موضوع انتخابات هستند، واجدین شرایط رأی‌دهی چه کسانی هستند، واجدین چگونه می‌توانند رأی دهند، نامزدها چگونه انتخاب می‌شوند، آراء مأخوذه چگونه شمارش و آراء به کرسی‌های نمایندگی تبدیل می‌شوند. نظام انتخاباتی چیزی فراتر از این موارد است. نظام انتخاباتی قوانینی هستند که در شرایط و فضایی خاص به کار می‌روند و در عمل سه عنصر اساسی دارند: قوانین، کاربرد و زمینه (Harrop and Miller, 1987, p.41-42).



و) نظام‌های انتخاباتی را می‌توان مجموعه‌ای از قوانین و مقرراتی دانست که بر اساس آنها آرای مأخوذه در یک انتخابات عمومی، به کرسی‌هایی تبدیل می‌شوند که احزاب و کاندیداها آنها را اشغال می‌کنند (رنلدرز و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۲۵).

از مجموع تعاریف مذکور می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که «نظام‌های انتخاباتی بر اساس آرای که رأی دهندگان به صندوق‌های رأی انداخته‌اند پیروز انتخابات را مشخص می‌کنند و تعیین می‌کنند که هر حزب یا گروه سیاسی باید چه سهمی از قدرت سیاسی داشته باشد» (لاندر، ۱۳۸۹، ص ۳۱). در واقع، نظام انتخاباتی مبین شیوه و سازوکار منصفانه و کارآمد شمارش آراء و توزیع نمایندگی در راستای تضمین حداکثر مشارکت عموم، حقوق انتخاباتی احزاب، کاندیداها و رأی دهندگان، تحقق انتخابات اصیل بر اساس کلیه عقاید و گروه‌های ذینفع در کشور می‌باشد.

۲. اصول حاکم بر گزینش نظام انتخاباتی

از جمله ویژگی‌ها و کارکردهای یک نظام انتخاباتی مطلوب، همسو کردن گرایش‌های متنوع و مختلف، انتقال آرام قدرت و ایجاد زمینه مناسب برای رقابت سالم است. تحقق این اهداف مستلزم پیروی نظام انتخاباتی از یک سری اصول هدایتگر است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف) اصل شفافیت: نظام انتخاباتی مطلوب باید طی یک رویه و فرایند روشن گزینش شود، برای کلیه احزاب، کاندیداها، تصمیم‌گیرندگان نظام انتخاباتی و عموم، قابل فهم و درک باشد و امکان مشارکت احزاب سیاسی، کاندیداها و رأی‌دهندگان را در گزینش، از طرق مقتضی، ایجاد کند.

ب) اصل نمایندگی: کارکرد اصلی نظام انتخاباتی تبدیل آراء به کرسی‌های نمایندگی است تا از این راه، اراده آزاد و بیان شده افراد به نمایندگان منتخب انتقال یابد. بدون توجه به ماهیت اصل نمایندگی و برداشت‌های متعدد درباره آن، این اصل نقش مؤثری در گزینش نظام انتخاباتی دارد؛ چراکه اصل نمایندگی در قالب پارلمان و ترکیب پارلمان باید به گونه‌ای باشد که منعکس کننده اراده همه شهروندان، بنا بر اصل برابری آراء و تأثیر برابر هر رأی، باشد.

ج) اصل فراگیری و جامعیت: حق مشارکت همگانی و اصل «هر شخص یک رأی»، ایجاد می‌کند نظام انتخاباتی طوری طراحی شود که پوشش‌دهنده این حق و اصل باشد. بدین معنا که نظام انتخاباتی قواعد و مکانیسم‌های خاصی داشته باشد که به موجب آن

همه شهروندان امکان استفاده از حق‌های انتخاباتی خود را داشته باشند و این حق برای همه قابل فهم و درک باشد. همچنین این نظام انتخاباتی باید طوری طراحی شود که محل‌ها و حوزه‌های رأی‌گیری به آسانی در اختیار شهروندان قرار گیرد و هیچ‌گونه تبعیضی علیه رأی‌دهنده، کاندیدا، حزب سیاسی یا اقلیت نباشد (Reynolds, 2006).

د) اصل گزینش رأی‌دهنده: سیستم انتخاباتی مطلوب باید کمیت و کیفیت گزینش رأی‌دهنده را بهبود ببخشد. منظور از کمیت این است که تعداد و طیف گزینش و تبدیل‌های موجود در برگه رأی به میزانی باشد که گزینش و انتخاب رأی‌دهنده معنا پیدا کند و منظور از کیفیت گزینش این است که رأی‌دهنده احساس کند انتخاب وی در ترکیب پارلمان و اداره امور عمومی کشور تأثیرگذار است. بدین منظور باید طیف‌ها، گرایش‌ها و گروه‌های مختلف، فرصت شرکت در رقابت انتخاباتی را داشته باشند تا رأی‌دهنده، متناسب با گرایش فکری‌اش، دست به گزینش بزند (*Citizen's Assembly* on Electoral Reform (Ontario), 2006, P.5).

ه) اصل سادگی: در نظام انتخاباتی باید روش توزیع کرسی‌های نمایندگی و قواعد تبدیل آراء به کرسی‌های پارلمان برای مردم قابل فهم و قابل پذیرش باشد و امکان ارزیابی آسان آنها توسط عموم وجود داشته باشد.

و) اصل انطباق با نظام ارزشی: نظام انتخاباتی باید مورد اعتماد و اطمینان مردم و منعکس‌کننده ارزش‌های موجود در جامعه باشد؛ لذا نوع نظام انتخاباتی باید در انطباق با نظام ارزشی جامعه باشد. چه بسا نتایج انتخابات برای مردم راضی‌کننده باشد، اما مبتنی بر اصول و هنجارهای جامعه نباشد؛ در این صورت، نتیجه انتخابات مشروعیت نخواهد داشت.

ز) اصل تناسب و انصاف نمایندگی: مجلس قانونگذاری باید منعکس‌کننده جمعیت و تعداد افراد در کشور به طور منصفانه باشد.

اتحاد بین‌المجالس همچنین بر اهمیت ارتباط معقول میان انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان تأکید نهاده و آن را تجلی عنصر «سنخیت و تناسب» دانسته که مؤید یکی از اصول حقوق بین‌الملل است (گودین گیل، ۱۳۷۹، ص ۴۵).

شیوه‌های مختلفی برای احراز اصل تناسب و انصاف نمایندگی وجود دارد که در حوزه‌بندی انتخاباتی قابل بحث است.

۳. مؤلفه‌های عمده گزینش نظام انتخاباتی

از آنجایی که هدف این مقاله تشریح، تبیین و توجیه نظام انتخابی کارآمد و مطلوب است، گزینش انتخاباتی باید طوری انجام شود که منجر به تحقق یک نظام انتخابات رقابتی و منصفانه گردد. در این راستا می‌توان به معیارها و ملاک‌های گزینش نظام انتخاباتی مطلوب به شرح ذیل اشاره کرد (IDEA, 2005, p.4-7):

الف) تحقق مفهوم نمایندگی: حاکمان در نظام مردم‌سالار، نماینده مردم در اعمال حاکمیت هستند؛ بر اساس این، نمایندگی چهار شکل دارد:

یکم) نمایندگی جغرافیایی: این نمایندگی مستلزم این است که هر منطقه (شهر، روستا، استان یا حوزه انتخابیه) تعدادی نماینده، با رعایت اصول انصاف و برابری رأی‌دهندگان، در پارلمان داشته باشد.

دوم) نمایندگی گروه‌های مختلف: برای رعایت و احترام به حقوق اقلیت‌های مختلف در جامعه که آنان نیز امکان و فرصت داشتن نماینده در پارلمان را داشته باشند.

سوم) نمایندگی شخصی: نظام انتخاباتی باید با رعایت حفظ نمایندگی این گروه‌ها و اقلیت‌ها گزینش گردد.

چهارم) نمایندگی حزبی: ترکیب پارلمان می‌تواند بر اساس نمایندگان احزاب مختلف به نسبت آراء هر حزب در انتخابات شکل بگیرد. نظام انتخابات باید قواعد و شیوه‌هایی داشته باشد که همه احزاب معقول و دارای طرفدار، بتواند در پارلمان صاحب کرسی نمایندگی شوند.

پنجم) نمایندگی توصیفی: قوه مقننه و ترکیب پارلمان باید آئینه اراده ملت باشد. به عبارت دیگر، ترکیب پارلمان باید انعکاس‌دهنده تمام شهروندان اعم از زن و مرد، پیر و جوان، ثروتمند و فقیر با تمام وابستگی‌ها و گرایش‌های مختلف زبانی، نژادی و قومی باشد.

ب) قابل دسترس و واقعی بودن انتخابات: همه انتخابات‌ها خوب هستند، اما باید مؤثر و کارآمد باشند؛ یعنی قابل فهم و درک و در دسترس از جهت نحوه رأی‌گیری، برگه‌های رأی، محل رأی‌گیری، شیوه گزینش ترجیحات توسط رأی‌دهندگان، شمارش آراء، تعیین برندگان و غیره باشند. نظام انتخاباتی و مؤلفه‌های اجرایی آن باید رقم‌زننده یک انتخابات اصیل و منصفانه و پوشش‌دهنده حق‌های اساسی انتخابات باشد.

ج) فراهم کردن انگیزه لازم برای ایجاد وفاق: نظام انتخاباتی نه تنها روشی برای



انتخابات نمایندگان ملت است، بلکه مکانیسمی برای مدیریت حل تعارضات و وفاق گرایش‌های متعدد در یک قالب محسوب می‌شود؛ برای مثال، برخی نظام‌های انتخاباتی قواعدی دارند که به موجب آنها احزاب برای برنده شدن و یا داشتن تعدادی نماینده مجبور به ائتلاف با احزاب دیگر هستند. این اتحاد و ائتلاف‌ها موجب نوعی وفاق و یکپارچگی اعمال نمایندگی در پارلمان می‌گردد و خرده تعارض‌ها و اختلاف‌های احزاب و گرایش‌های متعدد نیز از بین می‌رود.

د) ایجاد مجلس کارآمد و باثبات: برقراری مجلس باثبات و کارآمد صرفاً وابسته به یک نظام انتخاباتی شایسته نیست، بلکه عوامل و عناصر دیگری در این مهم نقش دارند. نتایج نظام انتخاباتی، می‌تواند به برقراری ثبات در حوزه‌های مختلف کمک کند؛ برای مثال رعایت انصاف و حقوق انتخاباتی برآمده از الگوی نظام انتخاباتی است؛ بدین معنا که ترکیب نمایندگان در پارلمان، برابری آراء رأی‌دهندگان، تناسب جمعیت رأی‌دهنده، تعداد نمایندگان آنها در پارلمان و منصفانه بودن ترکیب پارلمان، وابسته به الگوی نظام انتخابات است. در صورت نبودن اصل تناسب بین تعداد رأی‌دهندگان و نمایندگان در پارلمان، نمی‌توان شاهد یک پارلمان یا نظام سیاسی باثبات بود.

در این بخش این سؤال مطرح است که کدام نظام انتخاباتی می‌تواند تشکیل‌دهنده یک اکثریت کارآمد در پارلمان برای وضع قوانین به‌موقع و جلوگیری از بروز اختلاف سلیقه‌ها باشد. در پاسخ باید گفت که هر نظام انتخاباتی، اعم از اکثریتی، تناسبی یا ترکیبی که بتواند به شکل‌گیری ترکیبی از پارلمان برای وضع آسان‌تر و سریع‌تر قوانین با کمترین اختلافات کمک کند، ایجادکننده یک نظام باثبات و کارآمد خواهد بود (ر.ک: راسخ، ۱۳۸۰).

ه) پاسخگویی نمایندگان: اصل پاسخگویی از جمله اصول دمکراتیک انتخابات است؛ در حقیقت لازمه یک نظام سیاسی مطلوب مردمی، پاسخگو بودن حاکمان در برابر مردم است. بعد از انتخاب نمایندگان توسط رأی‌دهندگان، نمایندگان باید همواره در قبال تصمیمات خود در برابر مردم پاسخگو باشند و به نمایندگی از طرف مردم، نهادهای عمومی را وادار به پاسخگویی کنند. وجود چنین اصلی امکان تأثیرگذاری اراده مردم بر عملکرد و تصمیمات نمایندگان را فراهم می‌کند. به گونه‌ای که نماینده طی انتخابات جدید در معرض قضاوت مردم قرار می‌گیرد و تلاش نمایندگان در کسب مجدد قدرت، تأثیر مهمی در پاسخگویی آنان به رأی‌دهندگان خواهد داشت.

بنابراین نظام انتخاباتی باید به گونه‌ای طراحی شود که امکان پاسخگویی را افزایش دهد و به گونه‌ای باشد که اگر نمایندگان پاسخگو نبودند، امکان انتخاب مجدد آنها به طرق غیرمردمی و فریب‌آمیز وجود نداشته باشد.

(و) برانگیختن احزاب سیاسی: احزاب سیاسی نقش مؤثری در کارآمد کردن مشارکت مردم در اداره کشور دارند و نوعی انسجام و یکپارچگی و ثبات را می‌توانند در حکومت ایجاد کنند. نوع نظام انتخاباتی تأثیر زیادی بر نحوه فعالیت احزاب شکل‌گیری آنها، رقابت انتخاباتی منصفانه برای کسب قدرت، اتحاد و ائتلاف احزاب و شکل‌گیری خرده ایده‌ها در قالبی منسجم و وسیع‌تر، خواهد داشت. همچنین نوع و ماهیت نظام انتخاباتی می‌تواند باعث توسعه یا رکود احزاب در عرصه انتخابات شود.

نظام انتخاباتی مطلوب، نظامی است که موجب تحریک و شکل‌گیری احزاب منسجم و واقعی شود و احزابی را با دیدگاه‌های عادلانه، مردمی، با برنامه‌ها و ایده‌های وسیع برای رسیدن به وفاق و اتحاد ملی و جلوگیری از بروز تفرقه و گسترش ایده‌های قومی و قبیله‌ای و تعارضات محلی و منطقه‌ای، به وجود آورد.

(ز) انطباق با موازین حقوق بشری: یک نوع وفاق عام در خصوص رعایت بیشتر کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی حقوق بشری وجود دارد. لذا در طراحی نظام انتخاباتی باید به استانداردها و ارزش‌های مندرج در این اسناد و تعهدات بین‌المللی توجه شود. هرچند الگو و نسخه‌ای نهایی در این ارتباط وجود ندارد، اما با استفاده از اصول ارزشی موجود در این اسناد به عنوان استانداردها و اصول راهبردی، می‌توان به الگویی نسبتاً مطلوب دست یافت. برخی از این ارزش‌ها و استانداردهای مندرج در این اسناد و تعهدات عبارت‌اند از: آزاد بودن، منصفانه بودن، رقابتی بودن، دوره‌ای بودن، مخفی بودن رأی، برابری آراء، عدم تبعیض و تناسب نمایندگی با گروه‌های موجود در جامعه. این ارزش‌ها تضمین‌کننده حق‌های سیاسی و انتخاباتی هستند.

۴. انواع نظام‌های انتخاباتی

رویکردهای تحلیلی متعددی در بررسی و مطالعه نظام‌های انتخاباتی وجود دارد. بررسی برخی کشورهای دموکراتیک می‌تواند اثبات‌کننده تنوع در نوع و ماهیت نظام‌های انتخاباتی باشد. یکی از رایج‌ترین رویکردها در تحلیل نظام‌های انتخاباتی، تجزیه و تحلیل آنها از یک منظر سه بعدی است: نخست) شیوه شمارش آراء یا فرمول انتخاباتی: از این منظر شیوه یا روش عمده عبارت است از نظام بیشترین آراء، نظام اکثریت آراء و نظام



تناسب. دوم) اندازه، وسعت و بزرگی حوزه انتخابیه: حوزه‌های انتخابیه ممکن است تک‌عضوی (یک نماینده)، چندعضوی یا در سطح ملی باشند. سوم) تجزیه و تحلیل نظام انتخاباتی بر اساس دامنه آزادی عمل رأی‌دهندگان در گزینش نامزدهای معرفی شده (Lijphart, 1995(A), p.2-9؛ عباسی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۱-۲۷۰).

به دلیل اینکه رایج‌ترین و معمول‌ترین رویکرد بررسی و تحلیل نظام‌های انتخاباتی، رویکرد اول است و به این دلیل که این رویکرد مفصل‌تر و با جزئیات کامل‌تر نظام‌های انتخاباتی را بررسی می‌کند و از آنجایی که هدف از بحث حاضر دستیابی به الگویی مطلوب برای نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی است، این رویکرد بهتر ما را به این هدف می‌رساند.

۴-۱. نظام انتخاباتی اکثریتی

از نظر تاریخی نخستین شیوه انتخاباتی در کشورهای اروپایی، نظام انتخاباتی اکثریتی^۱ بوده است. در این نظام کسی که در مقایسه با دیگران آرای بیشتری را اخذ کند، پیروز انتخابات خواهد بود (Reynolds and Reilly, 1997, p.27). این نظام تحت تأثیر مبارزات انتخاباتی در کشور انگلستان شکل گرفت (ایوبی، ۱۳۷۸ (ب)، ص ۴۸). در این نظام کرسی‌های نمایندگی هر حوزه انتخابیه به داوطلبان آن حوزه ارائه می‌شود. داوطلبانی که بیشترین آراء را در انتخابات کسب کنند، کرسی نمایندگی را در اختیار می‌گیرند (Lipsey and Others, 1998, p.17).

این نظام زیرشاخه‌های متعددی دارد که در طبقه‌بندی‌های متفاوتی قرار می‌گیرند. این نظام در یک طبقه‌بندی کلی، به اکثریت نسبی و اکثریت مطلق و در یک طبقه‌بندی جزئی‌تر به نظام‌های نخست نفری، اکثریتی دو دوری، رأی بدیل یا جایگزین و حق رأی جمعی تقسیم می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۳، ص ۹۴). برای اختصار در بحث، به بررسی طبقه‌بندی اول که منجسم‌تر است، می‌پردازیم.

۴-۱-۱. اکثریت نسبی

نظام اکثریت نسبی^۲ یا یک مرحله‌ای، نظام ساده و قابل فهمی است که در آن دارنده بیشترین آراء، منتخب نمایندگی است (هاشمی، ۱۳۸۳، ص ۹۵). در این نظام هر کس که

1. Majoritarian electoral system.
2. Plurality



بیشترین آراء را اخذ کند یا به عبارت دیگر در صدر و بالاتر از همه قرار گیرد، برنده انتخابات می‌شود. این نظام به نظام نخست نفری^۱ معروف است (Kumar Sumal, 2007).

این نظام انتخاباتی تنها در حوزه‌های تک کرسی، قابل اعمال است. در انگلستان، تعداد حوزه‌های انتخابیه با کرسی‌های پارلمان برابر است و در هر حوزه تنها یک کرسی به رقابت گذاشته می‌شود (ایوبی، ۱۳۷۹، ص ۷۱). در این نظام انتخاباتی، کشور به ۶۵۱ حوزه، تقسیم شده است و در هر حوزه، رقابت انتخاباتی بر سر یک کرسی جریان دارد. در انگلستان رقابت سیاسی میان افراد است، نه احزاب. البته این سخن بدان معنا نیست که احزاب سیاسی در انتخابات دخالت ندارند؛ بلکه احزاب در تمام حوزه‌ها نامزدهای خود را تعیین می‌کنند؛ ولی شخصیت و ویژگی‌های فردی نامزدها نیز در انتخابات نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای دارد. در این کشور، در برگ رأی نام نامزدها آمده است و رأی‌دهندگان از میان نام‌های مختلف نامزد دلخواه خود را مشخص می‌کنند. در این روش، فرآیند رأی‌گیری بسیار سریع و ساده است و نتیجه انتخابات نیز بسیار آسان به دست می‌آید؛ یعنی هر کس که آراء بیشتری کسب کرده باشد، طبق قاعده FPTP، برنده است (Farrell, 2001, p.13).

کشورهای متعددی از این سیستم پیروی می‌کنند، نظیر امریکا، افغانستان، هلند، بحرین، بنگلادش، باربادوس، کانادا، کنگو، دومینکن، اتیوپی، فیجی، غنا، گرینلند، هند، جامائیکا، قزاقستان، کنیا، کره شمالی، مالزی، نپال، نیجریه، پاکستان، رواندا، سوریه، اوگاندا، یمن، زامبیا و زیمبابوه (Reynolds, 1997, P.27). ر.ک: صادقی، ۱۳۹۴؛ شکری، ۱۳۹۲).

مزایا: از مهم‌ترین مزایای این نظام سادگی و قابل‌فهم بودن آن است. به طور مختصر مزایای این نظام عبارت‌اند از: ایجاد دولت‌های باثبات و مقتدر (ایوبی، ۱۳۷۹، ص ۵۱-۵۹)، پاسخگو نمودن پارلمان، نمایندگی جغرافیایی قوی‌تر، کاهش حاکمیت احزاب افراطی، اجازه یافتن رأی‌دهندگان به انتخاب از میان کاندیداهای شناخت بیشتر رأی‌دهندگان نسبت به کاندیداهای کم هزینه بودن، شمارش آراء و اعلام نتایج ساده و آسان.

معایب: مهم‌ترین اشکال به نظام اکثریت نسبی، ناعادلانه بودن آن است (یویی، ۱۳۷۹، ص ۷۲)؛ چراکه ممکن است احزاب و کاندیداهای قوی‌تر، اکثریت را با کمترین اختلاف آراء به دست آورند و اقلیت‌ها و گروه‌ها و کاندیداهای ضعیف‌تر از کرسی نمایندگی محروم شوند. همچنین این نظام منجر به محرومیت اقلیت‌ها، قومیت‌ها و نژادهای متنوع می‌گردد؛ چراکه آراء بسیار زیادی از رأی‌دهندگان به هدر می‌رود. از جمله معایب دیگر این نظام، لزوم حوزه‌بندی‌های متعدد است؛ زیرا امکان تقسیم و توزیع ناعادلانه حوزه‌های انتخاباتی در آن وجود دارد (Courtney, 1999, p.5). این توزیع چه بسا به گونه‌ای انجام پذیرد که موجب برتری و برنده شدن احزاب قوی‌تر یا حزب حاکم شود و گروه‌ها و اقلیت‌های زیادی محروم شوند که این مسئله نقض اصول نظام دمکراتیک است. در حالی که یکی از شرایط کارکرد صحیح دموکراسی در یک جامعه وجود اقلیت‌هایی است که بتواند جلوی خودکامگی اکثریت را بگیرند و با انتقاد تصمیم‌گیری‌ها توازن ایجاد کنند (صمدی، ۱۳۷۴، ص ۱۴۱). از طرف دیگر، در دموکراسی‌های تازه تأسیس شده، حذف گروه‌های کوچک از صحنه سیاست و پارلمان می‌تواند موجب یأس و سرخوردگی از نظام سیاسی شود و در شرایطی به افراطی شدن آنها بینجامد و زمینه را برای به خشونت کشیده شدن صحنه سیاسی و بی‌ثباتی فراهم سازد.

بنابراین نظام انتخاباتی اکثریتی نسبی مشوق شکل‌گیری و انسجام اپوزیسیون است (بشیری، ۱۳۷۴، ص ۲۸۳).

۲-۱-۴. اکثریت مطلق

نظام اکثریت مطلق^۱ یا دو دوری (Rose and Others, 2000, p.159) در بردارنده قواعدی برای رفع برخی اشکالات نظام اکثریت نسبی، نظیر افزایش مشروعیت و درصد بالای افراد برنده، است. در این نظام برای انتخاب شدن در مرحله اول، باید اکثریت مطلق آراء (رأی بیش از نصف رأی‌دهندگان) کسب شود. اگر این اکثریت برای مرحله اول به دست نیاید، انتخابات در مرحله دوم انجام می‌پذیرد. در مرحله دوم، دارندگان اکثریت نسبی به مجلس راه خواهند یافت.

در این بخش این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان به اکثریت دست یافت و

1. Majority



منظور از مطلق چه میزان از آراء است؟ صاحب نظران نظام های انتخاباتی به راه حل های مختلفی در این زمینه اشاره کرده اند:

یکم) تکرار انتخابات تا رسیدن به اکثریت مطلق: این شیوه در صورتی امکان پذیر است که تعداد رأی دهندگان محدود باشد.

دوم) انتخابات دو مرحله ای: این روش می تواند به صورت رقابت بین دو نامزد در دور دوم یا محدود کردن نامزدهای دور دوم و اعمال اکثریت نسبی انجام شود (ایوبی، ۱۳۷۹، ص ۶۲-۶۷).

سوم) نظام رأی بدیل^۱: در این نظام رأی دهندگان به جای رأی دادن به یک نامزد واحد، نامزدها را بر اساس اولویت رده بندی می کنند (Blais and Poewen, 2003, p.54). در این روش، در مرحله اول شمارش آراء تنها اولویت های اول در نظر گرفته می شود و اگر نامزدی اکثریت مطلق اولویت های اول را به دست آورد، پیروز می شود. در غیر این صورت، نامزدی که حداقل اولویت های نخست را به دست آورده باشد، حذف شده و دومین اولویت های اظهار شده در برگه های رأی وی شمرده و به برگه های آراء دیگر رقیبان انتقال داده می شود. این روند ادامه می یابد تا آنکه یکی از نامزدها اکثریت را به دست آورد؛ برای نمونه چهار کاندیدای الف، ب، ج و د به ترتیب ۴۰، ۳۰، ۲۰ و ۱۰ درصد از اولویت های اول را به دست آورده اند. در روند جایگزینی ابتدا نامزد «د» حذف و آراء او بر حسب اولویت های دوم توزیع می شود؛ مثلاً اگر نیمی از این اولویت های سوم برای «ب» و نیمی برای «ج» باشد، در آن صورت الف، ب و ج به ترتیب ۴۰، ۳۵ و ۲۵ درصد آراء را به دست می آورند. در مرحله بعدی «ج» حذف می شود و آراء او بر حسب سومین اولویت های برگه های رأی، میان بقیه نامزدها توزیع می گردد تا سرانجام نامزد واجد اکثریت مطلق معلوم شود (Lijphart, 1995(B), p.414).

فارل معتقد است که برای این شیوه انتخاباتی به جای اصطلاح «جایگزین» بهتر است از واژه «ترجیحی»^۲ استفاده شود (Farrell, 2001, p.55): زیرایی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷۳-۹۵؛ چراکه در حقیقت از رأی دهنده خواسته می شود ترجیحات خود را به ترتیب اولویت اعلام کند.

1. Alternative vote
2. Preferential voting

کشورهای متعددی نظام اکثریت مطلق را برگزیده‌اند، نظیر بلاروس، چاد، کنگو، کوبا، مصر، فرانسه، گابن، هائیتی، عراق، قرقیزستان، مالی، موریتانی، مولداوی، موناکو، تاجیکستان، آذربایجان و ویتنام (Reynolds and Reilly, 1997, 43-53).

مزایا: برندگان در این نظام، نسبت به نظام اکثریت نسبی مشروعیت بیشتری دارند و نماینده بخش‌ها و افراد بیشتری هستند. در این روش، رأی‌دهندگان هنگام انتخاب می‌توانند انتخاب دوم، سوم و یا چند انتخاب داشته باشند و پراکندگی کمتری در آراء رأی‌دهندگان اتفاق می‌افتد. همچنین این نظام تا حدودی ساده و قابل فهم است (IDEA, 2002, p.13). در این نظام با اولویت دادن به واجدان رأی اکثریت، تا حد زیادی به افکار عمومی احترام گذاشته شده است (یوبی، ۱۳۷۹، ص ۷۲).

معایب: در این نظام اگر در دور اول کاندیداها حائز اکثریت مطلق لازم نشوند و انتخابات به دور دوم کشیده شود، تشریفات اداری هزینه‌های انتخابات بالا می‌رود. همچنین در برخی حوزه‌ها باید انتخابات میان دوره‌ای برگزار شود. از جمله معایب دیگر این نظام این است که امکان دارد فاصله انتخابات و اعلام نتایج طولانی شود. این روش همچنین ممکن است منجر به تکه تکه شدن احزاب کوچک‌تر شود و باعث شود که آنها نتوانند در پارلمان نماینده داشته باشند یا آنها را مجبور به ائتلاف با احزاب بزرگ‌تر در دور دوم کند. این نظام حتی در جوامعی که اقلیت‌ها و گروه‌های متمرکز زیادی دارند، ممکن است منجر به بی‌ثباتی و تفرقه شود (IDEA, 2002, p.13).

مهم‌ترین ایراد این نظام، عدم تناسب^۱ است؛ بدین معنا که آراء مردم مربوط به داوطلبان شکست خورده (ولو با نصاب بالا) هیچ اثری در تعیین سرنوشت سیاسی کشور نخواهد داشت (هاشمی، ۱۳۸۳، ص ۹۵).

۴-۲. نظام تناسبی

نظام تناسبی^۲ بیشتر برای رفع اشکال بزرگ نظام اکثریتی، یعنی عدم تناسب بین آراء کسب شده با تعداد کرسی‌های به دست آمده، شکل گرفت؛ لذا ویژگی اصلی این نظام این است که هر حزب یا گروهی به تناسب آراء خود می‌تواند صاحب کرسی نمایندگی شود (غفوری، ۱۳۷۸، ص ۱۴۰-۱۵۹). این نظام با نظام‌های حزبی (Amy, 2005, p.1) و

1. Disproportionality
2. Proportionality



نظام‌های انتخاباتی‌ای که در آن احزاب سیاسی کاندیدا معرفی می‌کنند، تناسب بیشتری دارد؛ لذا در آن، آراء انتخاباتی بین کرسی‌های نمایندگی تقسیم می‌شود و حاصل نسبت آن، کمیت فرضی برای یک کرسی انتخاباتی خواهد بود. آراء به دست آمده توسط هر یک از احزاب سیاسی به حاصل نسبت مذکور تقسیم می‌شود. حاصل این تقسیم تعداد نمایندگانی است که به هر حزب تعلق می‌گیرد (هاشمی، ۱۳۸۳، ص ۹۶).

طرفداران نظام تناسبی بر حوزه‌های «تک‌کرسی» خرده می‌گیرند و معتقدند در این نظام تنها یک گزینه وجود دارد و رأی‌دهنده ناچار است با رأی سفید و تاکتیکی، خواسته اصلی خود را نادیده بگیرد و فردی را برگزیند که امید پیروزی او بیشتر است؛ در حالی که در نظام انتخاباتی تناسبی، برای رأی‌دهنده چندین امکان وجود دارد و راهی برای بیان بخشی از خواسته قلبی رأی‌دهنده قرار داده شده است (ایوبی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹). از ویژگی‌های نظام تناسبی این است که احزاب و گروه‌های سیاسی هنگام انتخابات می‌توانند طیف وسیعی از نامزدهای انتخاباتی را در لیست‌های خود جای دهند. بدین ترتیب در جوامعی که شکاف‌های متقاطع وجود دارد، احزاب با ارائه لیست‌های چندقومیتی یا چندنژادی می‌توانند سهم خود را از کرسی‌های پارلمان افزایش دهند (MacIvor, 1999, p.20).

کشورهای مختلفی از این نظام تبعیت می‌کنند نظیر الجزایر، آنگولا، آرژانتین، بلژیک، بنین، بولیوی، برزیل، بلغارستان، کامبوج، شیلی، کاستاریکا، جمهوری چک، دانمارک، السالوادور، استونی، فنلاند، یونان، هندوراس، اندونزی، اسرائیل، ایتالیا، لتونی، لیختن اشتاین، مالت، نامیبیا، موزامبیک، هلند، نروژ، پاناما، پرتغال، رومانی، سوئد، سوئیس، ترکیه و ونزوئلا (Reynolds and Reilly, 1997, 60-90).

نظام انتخاباتی تناسبی به دو قسم عمده «نظام لیستی» و «نظام تک‌رأی قابل انتقال» تقسیم می‌شود:

۴-۲-۱. نظام لیستی

در نظام لیستی^۱ بر اساس اصل نمایندگی، کرسی‌های یک حوزه نمایندگی متناسب با تعداد آرای انداخته شده برای لیست‌های حزبی، تقسیم می‌شود. نحوه تخصیص کرسی‌ها به لیست‌های حزبی، در نظام‌های گوناگون، مختلف است. لیست‌های حزبی ممکن است

باز یا بسته باشند. در کشورهایی که لیست حزبی باز ارائه می‌شود، مانند نروژ، فنلاند، هلند و ایتالیا و در کشورهایی که لیست‌های حزبی بسته ارائه می‌شوند مانند اسرائیل، پرتغال و اسپانیا. در این نظام رأی‌دهندگان تنها حق انتخاب حزب را دارند و اولویت‌بندی و تقدم و تأخر کاندیداها به وسیله حزب سیاسی تعیین می‌شود. بنابراین ترتیب کاندیداها بر روی لیست حزبی، تعیین‌کننده کاندیداها می‌باشد؛ برای مثال ۱۰ نفر اول از ۱۵ نفری که اسامی آنها در لیست حزبی، قید شده است به مجلس راه می‌یابند.

لیست‌های حزبی ممکن است ملی و سراسری باشند؛ مانند اسرائیل که در آن کل کشور یک حوزه انتخابیه است که ۱۲۰ کرسی دارد؛ اما بیشتر لیست‌های حزبی، منطقه‌ای هستند، مانند بلژیک. این کشور به هفت منطقه تقسیم شده است که هر یک از این مناطق نیز به نوبه خود دو تا ۳۴ کرسی را به خود اختصاص داده‌اند (Norris, 1997, p.4-5).

فرمول انتخاباتی نظام‌های انتخاباتی نیز اشکال متفاوتی دارد. می‌توان آراء را بر اساس روش میانگین بیشتر به کرسی‌ها اختصاص داد. این روش مستلزم این است که آرای هر حزب به طور متوالی به یکسری مقسوم‌علیه‌هایی^۱ تقسیم شوند و به این ترتیب کرسی‌ها به احزاب اختصاص یابند که در نهایت بالاترین خارج‌قسمت را کسب کنند. این روند پی در پی ادامه می‌یابد تا اینکه کل کرسی‌های خالی، پر شوند. گسترده‌ترین شکل این روش، فرمول دهونت (D'Hondt) است. در این روش آرای فهرست‌های مختلف به ترتیب به اعداد (مقسوم‌علیه‌های) ۱، ۲، ۳، ... تقسیم می‌شود. در روش ساده سنت لاگ، آراء به جای اینکه به اعداد یک به بعد تقسیم شود، بر ۱، ۳، ۵، ۷ تقسیم می‌شود. در روش اصلاح‌شده سنت لاگ، به جای اینکه تقسیم آراء بر اعداد مذکور از یک شروع شود، از ۱/۴ شروع می‌شود، یعنی عدد ۱/۴ جایگزین مقسوم‌علیه اولیه می‌شود؛ اما همچنان، ماهیتاً با نوع ساده آن یکی است.

روش دیگر، روش بیشترین باقی مانده است. در این روش یک حد نصاب حداقلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این حد نصاب به طرق مختلفی محاسبه می‌شود. ساده‌ترین روش، یعنی روشی که در دانمارک و کاستاریکا معمول است، حداکثر نصاب هیر (Hare) است. در این روش تعداد کل آراء معتبر در هر حوزه انتخابیه به تعداد کل کرسی‌هایی که

1. Divisors



باید به آن حوزه‌ها اختصاص یابند، تقسیم می‌شود. مقسوم‌علیه حد نصاب دروپ (Droop) که در آفریقای جنوبی و یونان مورد استفاده قرار می‌گیرند، تعداد کرسی‌ها به علاوه یک است؛ یعنی در محاسبه این حد نصاب، کل آراء بر تعداد کرسی‌ها به علاوه یک، تقسیم می‌شود. این عدد اضافه شده از میزان تناسبی بودن انتخاب نیز می‌کاهد.

۲-۲-۴. نظام تک‌رأی قابل انتقال

در نظام تک‌رأی قابل انتقال^۱ که در کشورهای ایرلند، مالت و استرالیا استفاده می‌شود، هر کشور به حوزه‌های چندنماینده‌ای تقسیم می‌شود که هر یک از این حوزه‌ها چهار یا پنج نماینده دارد. در این نظام، احزاب، اعضای خود را معرفی می‌کنند و رأی‌دهندگان به صورت ترجیحی رأی می‌دهند؛ یعنی در برگه‌های رأی، نامزدها را شماره‌گذاری می‌کنند. سپس کل آراء شمرده می‌شود و برای به دست آوردن حد نصاب، کل آراء به تعداد کرسی‌های هر حوزه تقسیم می‌شود. برای برنده شدن در انتخابات، کاندیداها باید حد نصاب را به دست آورند. وقتی اولویت‌های اولیه شمرده شد، اگر هیچ کدام از کاندیداها به حد نصاب دست نیابند، شخصی که کمترین رأی را دارد، حذف می‌شود و آرای رأی‌دهندگان بر اساس اولویت‌های دوم شمرده شده و یا توزیع می‌گردد. این روند ادامه می‌یابد تا اینکه تمامی کرسی‌ها پر شود (Norris, 1997, p.4-5).

مزایا: مهم‌ترین مزیت نظام تناسبی این است که در این نظام عدالت در توزیع کرسی‌ها تا حد زیادی رعایت می‌شود و در نتیجه پارلمان نزدیک‌ترین ترکیب را با آنچه که مردم در ذهن دارند، خواهند داشت. در حالی که نظام‌های اکثریتی با شکست اقلیت و عدم احتساب آراء آنان، بین پارلمان و اراده جامعه فاصله می‌اندازد و مانع تأثیرگذاری آراء اقلیت می‌شود. در نظام تناسبی هیچ انتخاب‌کننده‌ای رسماً نماینده‌ای نخواهد داشت که خود انتخاب نکرده باشد. هر نماینده مجلس، در واقع نماینده گروهی از انتخاب‌کنندگان همفکر خواهد بود. در این شرایط رابطه بین رأی‌دهندگان و نمایندگان منتخب استحکام بیشتری دارد (قاضی، ۱۳۷۲، ص ۷۴۳-۷۴۴).

مزیت دیگر اینکه، نظام انتخاباتی تناسبی از استبداد اجتماعی اکثریت مطلق می‌کاهد؛ زیرا به اقلیت‌ها فرصت می‌دهد که در پارلمان کرسی‌هایی داشته باشند. حذف آراء اقلیت که لازمه هر نظام اکثریتی است، حکومت مردم بر مردم را با خطر مواجه می‌کند؛ زیرا

سپردن اقتدار حکومت به دست کسانی که به لحاظ تعداد تفوق دارند، با دموکراسی منطبق نخواهد بود؛ چراکه با حذف کلیه گروه‌های اقلیت، آنچه باقی می‌ماند گروهی خواهند بود که ممکن است با تعداد اندکی از آراء اضافی، در انتخابات پیروز شده باشند. از طرف دیگر، حذف گروه‌ها و احزاب اقلیت در نظام‌های اکثریتی ممکن است موجب یأس و سرخوردگی آنها از نظام سیاسی شود و در شرایطی به افراطی شدن آنها بینجامد و زمینه را برای بی‌ثباتی سیاسی فراهم سازد (Reynolds and Reilly, 1997, p.96).

انتخابات تناسبی به صداقت بیشتر نزدیک است؛ به دلیل اینکه از ائتلاف‌های سیاسی بی‌پایه و اساس بین گروه‌های سیاسی جلوگیری می‌کند؛ در حالی که در انتخابات اکثریت دو مرحله‌ای بسیاری از ائتلاف‌هایی که در آستانه دومین مرحله انتخابات صورت می‌گیرد، در فردای پیروزی از هم می‌پاشد و دولت اکثریت را با بحران جدی روبه‌رو می‌کند (ایوبی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۸). از دیگر مزایای نظام انتخابات تناسبی این است که بر خلاف انتخابات اکثریتی با حوزه تک‌کرسی، از منطقه‌گرایی و جزئی‌نگری احزاب و نمایندگان می‌کاهد و احزاب را وامی‌دارد تا به مسائل مهم ملی بپردازند (همان).

معایب: مهم‌ترین اشکال انتخابات تناسبی، تشدید گروه‌گرایی در کشور است. این نظام انتخاباتی مانع از تشکیل حکومت‌های باثبات در کشور می‌شود و راه را برای دسته‌بندی‌هایی که بیش از حد سیاسی است، باز می‌کند. از دیگر معایب این نظام این است که افراد مستقل که وابستگی حزبی ندارند، امیدی برای انتخاب شدن ندارند و در بسیاری از اقسام نظام انتخاباتی تناسبی، رأی دهندگان از حق انتخاب واقعی محروم هستند؛ چراکه آنها غالباً نقشی در تنظیم فهرست‌ها ندارند. به عبارت دیگر، رأی‌دهنده بین خود و نمایندگان که منصوب از سوی احزاب سیاسی است، ارتباط مستقیمی نمی‌یابد (همان، ص ۱۰۹-۱۱۰). در این نظام، افراد مستقل از صحنه مبارزات انتخاباتی کنار می‌روند؛ یعنی برای انتخاب شدن باید در فهرست یکی از احزاب باشند و حتی در لیست نیز باید جایگاه مناسبی داشته باشند تا احتمال انتخاب شدن بیشتر شود. نماینده پس از انتخاب شدن وابستگی زیادی به حزب خواهد داشت؛ از این رو، نماینده بیشتر وابسته به حزب است تا به رأی‌دهندگان.

نکته منفی دیگر در نظام انتخاباتی تناسبی این است که در این نظام قدرت پارلمان تجزیه می‌شود و هر جزء آن به علت داشتن خط مشی سیاسی خاص و اتخاذ عقیده‌ای ثابت و جدا از سایر دسته‌ها، راه ثابتی در پیش می‌گیرند. چنین پارلمانی حکومتی ائتلافی

تشکیل می‌دهد. اشکال حکومت‌های ائتلافی این است که در عمل با مشکلات زیادی مواجه هستند و بیشتر انرژی قوه مجریه صرف حفظ ائتلاف می‌شود و این وضعیت به جزئی‌ترین امور قوه مجریه سرایت می‌کند (صمدی، ۱۳۷۴، ص ۱۵۷).

۴-۳. تقسیم‌بندی دیگر

برخی از صاحب‌نظران نظام‌های انتخاباتی، علاوه بر نظام اکثریتی و تناسبی به نظام نیمه‌تناسبی^۱ نیز اشاره کرده‌اند. سیستم‌های نیمه‌تناسبی سیستم‌هایی هستند که آراء به صندوق ریخته شده را به کرسی‌های نمایندگی تبدیل می‌کنند؛ به همین دلیل این سیستم را می‌توان بین سیستم‌های تناسبی و سیستم‌های اکثریت نسبی قرار داد. چند نوع نظام اصلی در این سیستم وجود دارد (Reynolds, 2006, p.51-52).

۴-۳-۱. سیستم تک‌رأی غیرقابل انتقال

در سیستم تک‌رأی غیرقابل انتقال^۲ هر رأی‌دهنده حق یک رأی دارد؛ اما کرسی‌های متعددی برای احراز در هر منطقه وجود دارد که کاندیداها با بالاترین آراء، این کرسی‌ها را اشغال می‌کنند؛ برای مثال در یک منطقه با چهار سهمیه نمایندگی، هر نفر فقط به بیش از ۲۰ درصد از آراء برای انتخاب شدن نیاز دارد. از طرف دیگر یک حزب هم اگر ۷۵ درصد از کل آراء را به دست آورد، این آراء را به تناسب بین سه کاندیدا توزیع می‌کند که سه کرسی از مجموع چهار کرسی را اشغال می‌کند.

۴-۳-۲. سیستم موازی

سیستم موازی^۳ از ترکیب لیست حزبی (PR) و اکثریت نسبی (FPTP) ایجاد می‌شود. در این سیستم، در مناطقی از روش FPTP استفاده می‌شود و در همان زمان در مناطق دیگری از کشور که کرسی نمایندگی آنان زیاد است، از روش لیست حزبی استفاده می‌شود. در این سیستم هیچ تخصیصی - برعکس نظام تلفیقی و ترکیبی (اکثریت نسبی ساده - تناسبی) - برای احزابی که درصدی از آراء ملی را به دست آورده‌اند، اما در کسب آراء منطقه‌ای و محلی ناکام بوده‌اند، صورت نمی‌گیرد. این سیستم حدوداً در بیست کشور اجرا می‌شود.



1. Semi - proportional system
2. Single non-transferable vote
3. Parallel

۳-۴. نظام ترکیبی یا تلفیقی^۱

با توجه به معایب و مزایایی که برای دو نظام اکثریتی و تناسبی عنوان شد، معقول است که تلاشی برای رفع برخی معایب و بهره‌مندی از مزایای این دو نظام و دستیابی به الگوی نسبتاً مطلوب با کمترین ایراد، انجام شود. این تلاش در قالب طرح الگوی ترکیبی و یا تلفیقی خلاصه می‌شود. نظام تلفیقی را با نام‌های مختلفی می‌خوانند، مانند «نظام دو رأی»، «نظام عضو اضافی» و «نظام آلمانی» (Shugart, 2002, p.9).

مهم‌ترین ویژگی این نظام بهره‌گیری از هر دو شیوه تناسبی و اکثریتی، به ویژه استفاده از دو رأی، است. در این نظام رأی‌دهندگان هم به فهرست‌های احزاب سیاسی، هم به نامزدها در حوزه‌های کوچک انتخاباتی رأی می‌دهند. از این رو، نظام مختلط نظامی است که در آن به طور همزمان چندین فرمول مختلف (اکثریت نسبی و تناسبی، اکثریت مطلق و تناسبی) در یک انتخابات واحد استفاده می‌شود (Farrell, 2001, p.110). در این نظام ترکیب پارلمان متشکل از لیست احزاب و کاندیداهای مستقل یا معرفی شده احزاب در حوزه‌های انتخاباتی کوچک است (Kim, 2006, p.3). به عبارت دیگر، تعدادی از کرسی‌های پارلمان از طریق لیست احزاب به صورت ملی و سراسری و بقیه کرسی‌ها از طریق نامزدهای حوزه‌های انتخاباتی پر می‌شود.

برای ترکیب نظام انتخاباتی تناسبی با هر یک از نظام‌های اکثریتی نسبی و مطلق دست کم سه راه وجود دارد. ساده‌ترین راه این است که در بخش‌هایی از حوزه ملی، نظام انتخابات تناسبی و در جاهایی دیگر نظام اکثریتی مطلق و یا نظام اکثریتی نسبی به کار رود. در انتخابات سنای فرانسه در بخش‌هایی که چهار کرسی یا کمتر وجود دارد، نظام اکثریتی نسبی به کار گرفته می‌شود و در بخش‌هایی که قرار است پنج سناتور یا بیشتر انتخاب شوند، نظام تناسبی برقرار است (عادل‌پناهی، ۱۳۸۱، ص ۷۵).

نوع دوم نظام مختلط، انتخاب دو مجموعه از نمایندگان برای یک حوزه ملی واحد است. پس از اصلاح انتخاباتی در سال ۱۹۹۴، ژاپن نمونه‌ای از این نوع مختلط را ارائه می‌کند. در این نظام، همچون نظام انتخاباتی ترکیبی روسیه، نیمی از اعضای مجلس از طریق انتخابات تناسبی و نیمی دیگر از طریق قاعده اکثریت نسبی گزینش می‌شوند و به جهت تصحیح نابرابری‌های حزبی که در نتیجه به کارگیری قاعده اکثریت نسبی در

حوزه‌های تک نماینده‌ای به وجود می‌آید، کرسی‌های پارلمان توزیع نمی‌گردد (Reed and Thies, 2002, p.209).

سومین نوع نظام مختلط، نظام خاص آلمانی است. در این نظام کرسی‌هایی که از طریق نظام انتخاباتی تناسبی به دست می‌آیند با شیوه‌ایی «اصلاح شده» توزیع می‌شوند. هدف از این کار کمک به احزاب ضعیف‌تر است. در این روش هر حزب سهم عادلانه خود را از کرسی‌ها به دست می‌آورد. از این رو، بوندستاگ از ۳۲۸ نماینده که در حوزه‌های تک نماینده و تحت نظام اکثریت نسبی انتخاب می‌شوند و ۳۲۸ کرسی مبتنی بر انتخابات تناسبی در یک حوزه انتخاباتی ملی تشکیل شده است. انتخاب‌کنندگان با یک برگه رأی، دو رأی به صندوق‌های رأی می‌اندازند؛ رأی اول برای شخص نامزد در حوزه تک نماینده‌ای و رأی دوم برای یک حزب (Scarrow, 2002, p.55).

در نظام انتخاباتی تلفیقی آلمان، هر رأی‌دهنده دو رأی به صندوق می‌ریزد. در یک بخش برگه رأی علامت می‌زند که از نظر او ارجحیت با کدام یک از نامزدهایی است که در ناحیه خودش برای ورود به بوندستاگ فعالیت می‌کند و در بخش دوم برگه حزب سیاسی مد نظرش را انتخاب می‌کند (رنی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۸). برای تصمیم‌گیری درباره اینکه هر حزب چند کرسی در بوندستاگ به دست می‌آورد، نخستین گام آن است که همه رأی‌هایی که هر حزب در سراسر کشور به دست آورده است با هم جمع کنند. پس از آن مراجع انتخاباتی احزابی را که کمتر از ۵ درصد آرای مردم را به دست آورده‌اند و دو نامزد یا کمتر از حوزه‌شان انتخاب شده‌اند کنار می‌گذارند. مجموع آرای احزابی که به این ترتیب حذف می‌شوند، از کل آراء کسر می‌شود تا رقمی به دست آید که بر اساس آن سهمیه هر حزب در سراسر کشور تعیین شود. این معادله به «نیمایر»^۱ معروف و به شکل زیر است (عادل پناهی، ۱۳۸۱، ص ۸۱):

$$\text{تعداد کل آراء دوم حزب} \times \text{تعداد کل کرسی‌ها در مجلس} \\ \text{تعداد کرسی‌های هر حزب} = \frac{\text{تعداد کل آراء دوم احزابی که به مجلس راه می‌یابند}}{\text{تعداد کل آراء دوم حزب}}$$



بعد از مراحل فوق، بر اساس رقم تازه، محاسبه‌ای به عمل می‌آید، مبنی بر اینکه هر حزب با توجه به سهمیه‌اش از کل آراء دوم در سطح کشور، مستحق چه تعداد کرسی از ۶۵۶ کرسی است. سپس سهم هر حزب در سطح کشور بین احزاب هر یک از لاندرها پخش می‌شود. در هر یک از لاندرها تعداد کرسی‌هایی که هر یک از نامزدهای خاص برای هر حزب به دست آورده‌اند، از شمار کل کرسی‌هایی که در مرحله قبل به آن اختصاص یافته کسر می‌شود. کرسی‌های باقی مانده‌ای که به هر حزب تعلق دارد به نامزدهایی تعلق می‌گیرد که بر روی لیست هر حزب قرار دارند. نامزدها به ترتیبی برگزیده می‌شوند که حزب آنها را بر روی فهرست قرار داده است (رنی، آستین، ۱۳۷۴، ص ۲۴۹).

مزایا: الف) این نظام به دلیل استفاده از نظام لیستی یا تناسبی مزایای این نظام را دارد و پوشش‌دهنده احزاب و اقلیت‌های کوچک در جامعه است و موجب تحقق نمایندگی اصیل می‌شود. **ب)** به دلیل استفاده از نظام نخست‌نفری، به رأی‌دهندگان اجازه می‌دهد علاوه بر رأی دادن به برنامه‌های ملی و منافع عمومی از طریق گزینش یک حزب، کاندیداهای محلی خود را براساس علایق و سلايق شخصی نیز گزینش کنند. **ج)** هزینه‌های اداری و اجرایی انتخابات و کاندیداها کمتر می‌شود. **د)** ارتباط نزدیکی بین نمایندگان، به ویژه نمایندگان محلی، با شهروندان در زمینه فهم و درک نیازهای محلی و انتقال آنها به پارلمان ایجاد می‌شود و به نوعی زمینه لازم برای پاسخگویی نمایندگان فراهم می‌شود.

معایب: الف) ممکن است موجب دو دستگی نمایندگان در پارلمان شود و نمایندگان حزبی بر نمایندگان محلی تسلط پیدا کنند، وقتی که آنها چندان در برابر شهروندان پاسخگو نباشند. **ب)** برخی از کشورها، نظیر آلمان که نظام «رأی اضافی» را در سیستم ترکیبی پذیرفته‌اند، ممکن است اهمیت رأی کاندیداهای مجلس نسبت به رأی حزبی سراسری کم شود؛ زیرا اگر حزبی در مناطق، رأی لازم را نیاورد و درصد قابل‌توجهی در لیست سراسری آورده باشد، آن‌قدر به آرای این حزب اضافه می‌کنند که صاحب کرسی‌های لازم در پارلمان شود.

۵. نظام انتخاباتی کارآمد مجلس شورای اسلامی

نظام انتخاباتی یکی از ارکان اصلی نظام انتخابات در کشور ایران است که نسبت به سایر بخش‌ها تغییرات کمتری داشته (ر.ک: سائلی کرده ده، ۱۳۷۸؛ رضایی، ۱۳۹۳). این



نظام متأثر از نظام انتخاباتی فرانسه، یعنی نظام اکثریتی (دو دوری)، شکل گرفته است (بزرگمهری، ۱۳۸۵، ص ۵۱-۵۴؛ حبیب نژاد، ۱۳۸۶، ص ۱۸). ماده ۸ و ۹ قانون انتخابات به طور خلاصه به این نظام پرداخته است:

ماده ۸:

انتخاب نماینده در مرحله اول منوط به کسب اکثریت حداقل یک چهارم کل آراء و در مرحله دوم و همچنین انتخابات میان دوره‌ای با کسب اکثریت نسبی به هر میزان است.

ماده ۹:

چنانچه در مرحله اول برای یک یا چند نفر از داوطلبان اکثریت یک چهارم آراء حاصل نگردد، انتخابات دو مرحله‌ای خواهد شد. بدین معنی که از بین نامزدهایی که اکثریت یک چهارم آراء را در مرحله اول به دست نیاورده‌اند، فقط به تعداد دو برابر نمایندگان مورد نیاز از بین کسانی که بیشترین آراء را در مرحله اول داشته‌اند در انتخابات مرحله دوم شرکت می‌کنند و در صورتی که تعداد نامزدهای باقی مانده کمتر از دو برابر باشد، تمام آنان در مرحله دوم انتخابات شرکت خواهند نمود (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۸۶، ص ۲۳؛ موسوی، ۱۳۹۰).

گفتنی است نظام انتخاباتی مجلس در قانون سال ۱۳۷۸ به صورت اکثریت دو دوری با اکثریت یک سوم در دور اول بود و پیش از سال ۱۳۷۸ پیروزی در دور اول منوط به اخذ اکثریت مطلق (نصف+۱) بود. علت روی آوردن از اکثریت مطلق به اکثریت یک چهارم، عدم کسب چنین اکثریتی در دور اول و کشیده شدن انتخابات در بسیاری از حوزه‌های انتخابیه به دور دوم بود.

در بررسی و ارزیابی این نظام جدید، با مدنظر قرار دادن قواعد و اصول نظام عادلانه و کارآمد انتخاباتی، این سؤال مطرح می‌شود که آیا چنین نظامی منصفانه و عادلانه محسوب می‌شود و از طریق آن حقوق انتخاباتی شهروندان، پارلمان کارآمد و نمایندگی اصیل محقق می‌شود یا خیر. سؤال دیگر این است که کدام یک از الگوهای نظام‌های انتخاباتی، با توجه به نظام سیاسی حاکم در کشور، مفید و کارآمد است و زمینه‌ساز تحقق یک انتخابات منصفانه و اصیل می‌شود؟ برای پاسخ این سؤالات باید ابتدا به آسیب‌شناسی نظام انتخاباتی مجلس بپردازیم و سپس الگوی کارآمد را ارائه و موجه‌سازی کنیم.

۱-۵. ارزیابی و آسیب‌شناسی نظام انتخاباتی مجلس

برای ارزیابی این نظام (ر.ک: گروه مؤلفان، ۱۳۹۰)، از قواعد و اصول حاکم بر تنظیم

الگوی مطلوب نظام انتخاباتی و معایب نظام اکثریتی و معضلات پیرامون آن استفاده می‌کنیم. معضلات، مشکلات و ایرادهای وارده به این نظام عبارت‌اند از:

۱-۱-۵. پرهزینه بودن

به علت عدم احراز اکثریت یک چهارم در دور اول مجلس در اکثر حوزه‌های انتخابیه، معمولاً تکلیف کرسی‌های پارلمان در مرحله دوم مشخص می‌شود. چنین رویه‌ای مشکلات زیادی از لحاظ مالی به وجود می‌آورد. به دلیل اینکه نسبت به مرحله اول، باید برای مرحله دوم هزینه بیشتری شود. در چنین حالتی برای یک دوره پارلمان، دو انتخابات برگزار می‌شود که کاملاً غیرعقلانی و غیرکارآمد است. به واسطه اجرای این روند غیرعلمی، منابع مالی عمومی در معرض نابودی قرار می‌گیرد که این کار با فقرستیزی، پیشرفت کشور و تأمین بهینه منابع و خدمات عمومی مغایر است. همچنین کاندیداها مجبورند برای جلب افکار عمومی دوباره هزینه کنند. چه بسا کاندیداهایی که توانایی مالی ندارند، نتوانند در رقابت تبلیغاتی شرکت کنند و کاندیداهای رقیبی که حمایت‌های مالی خاص دارند، گوی سبقت را از آنان برابند و با اعمال نفوذهای خاص و تزریق منابع مالی کلان در دوره دوم، آراء را به نفع خود جمع‌آوری کنند.

۱-۲-۵. تناسبی نبودن

از جمله اصول مترقی یک نظام انتخاباتی مطلوب، تناسب کرسی‌های پارلمان با اقشار، افکار و گرایش‌های متفاوت در جامعه است. در حالی که چنین نظامی موجب شکل‌گیری یک اکثریت خاص در مجلس می‌شود و باعث می‌شود که بسیاری از کاندیداهای ضعیف، مستقل و گروه‌های اقلیت نتوانند کرسی پارلمان را کسب کنند. با توجه به فلسفه نظام اکثریت مطلق - که شکل‌گیری پارلمان قوی با اکثریت خاص است - اکثریت یک‌چهارم تفاوت چندانی با اکثریت نسبی ندارد. در نظام اکثریت نسبی، نفرات اول، حتی با یک رأی اختلاف، وارد پارلمان می‌شوند که این کار منجر به نادیده گرفتن آرای سایر رقبا و حامیان و گروه‌هایی که به آنها رأی می‌دهند، می‌شود. در واقع در این نظام یک برنده بزرگ در مقابل یک بازنده بزرگ وجود دارد (بهبهانی‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۲۶).

۱-۳-۵. عدم وجود نظام حزبی

با توجه به فواید حزبی بودن انتخابات و نقش احزاب در انسجام افکار و ایده‌های موجود در جامعه و با وجود داشتن قانون احزاب در کشور و اصل ۲۴ قانون اساسی مبتنی بر آزادی فعالیت احزاب، آنها نمی‌توانند به طور رسمی وارد عرصه رقابت انتخاباتی شوند.



درست است که احزاب به طور غیررسمی پیش از انتخابات، صف‌بندی می‌کنند و لیست‌های نامزدی و برنامه‌های خود را ارائه می‌دهند، اما در عمل، به جز در چند شهر بزرگ، نقشی در انسجام افکار عمومی بر ای هدفمند کردن آرای مردم در رأی دادن به برنامه‌ها و کاندیدا ندارند. در این نظام، مردم به شخصیت کاندیدا، بر اساس مسائل قومی، نژادی، قبیله‌ای، مذهبی و نظایر آن، رأی می‌دهند و کمتر به برنامه‌های کاری و فعالیت‌هایی که کاندیدا قرار است در پارلمان برای تحقق و عملی کردن آنها به پارلمان وارد می‌شود، توجه می‌کنند. این نظام انتخاباتی در عمل پیامدهای خاصی برای حوزه سیاست داشته است، از جمله پیامدهای مهم و پراهمیت این نظام انتخاباتی می‌توان به تضعیف و یا جلوگیری از شکل‌گیری احزاب سیاسی در ایران اشاره کرد (خرمشاد و رفیعی، ۱۳۹۲، ص ۶۴؛ ر.ک: احمدی، ۱۳۸۹).

۴-۵. طولانی شدن فرایند انتخابات

در این نظام اگر در دور اول اکثریت ۲۵ درصدی حاصل نشود، بر اساس مواد ۸ و ۹ قانون انتخابات، دو برابر کرسی‌های نمایندگی به دور دوم راه پیدا می‌کنند. برگزاری انتخابات در دور دوم، باعث طولانی و ملال‌آور شدن انتخابات می‌شود و چه بسا مردم را دچار خستگی و بی‌علاقگی برای شرکت در دور دوم کند که بی‌علاقگی مردم، برای یک انتخابات مشارکتی و اصیل بسیار مضر است و موجب نقض اصل قطعیت، انتخابات به عنوان یکی از اصول پایه‌ای و کارآمدی انتخابات آزاد و منصفانه می‌شود. در این نظام زمان اعلام نتایج بسیار طولانی می‌شود. طولانی شدن اعلام نتایج انتخابات ممکن است منجر به ایجاد مشکلاتی شود، مانند بی‌ثباتی جامعه، ایجاد تنش‌ها بین کاندیداها به دلیل وجود ابهامات در نتایج دور اول که منجر به ایجاد تأخیر در برگزاری دور دوم می‌شود و گاهی عدم شکل‌گیری پارلمان در زمان مناسب.

۵-۱-۵. عدم رعایت اصل پاسخگویی

به علت عدم تناسب نمایندگان منتخب با جمعیت حوزه انتخابیه و نداشتن حمایت و پشتوانه اکثریت در برخی حوزه‌های انتخابیه، امکان برقراری ارتباط دوسویه میان نماینده و شهروندان برای حل مشکلات محلی و انتقال نیازها و خواسته‌ها به پارلمان، وجود ندارد و نماینده خود را ملزم به پاسخگویی نمی‌داند.

نتیجه بررسی اشکالات بالا این است که نظام فعلی چندان عادلانه و منصفانه نیست. ناکارآمدی لازم، محرومیت برخی گروه‌ها از داشتن نماینده در مجلس، حذف کاندیداهای

با حداقل اختلاف آراء، عدم شکل‌گیری پارلمان کارآمد و دولت باثبات، نبود پشتوانه حداکثری برای نمایندگان منتخب، نقض حقوق کاندیداها در رقابت سالم، پرهزینه بودن برگزاری انتخابات، عدم الزام نمایندگان برای پاسخگویی به شهروندان ساکن در حوزه انتخابیه، از جمله دلایل ناعادلانه بودن این نظام است.

۲-۵. الگوی مطلوب نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی

در بررسی سؤال دوم که چه الگویی مناسب نظام انتخابات ایران است، نظام تلفیقی و ترکیبی «نظام اکثریت نسبی - تناسبی» پیشنهاد می‌شود که اخیراً مورد استقبال و استفاده کشورهای متعددی نظیر ژاپن، روسیه، ایتالیا و نیوزلند شده است. علت عمده‌گزينش چنین نظامی، حل مشکلات نظام فعلی و منطبق کردن نظام انتخابات با اصول و موازین انتخابات آزاد، منصفانه و اصیل است. مدل پیشنهادی به شرح ذیل سازماندهی می‌شود.

۲-۱-۵. نظام رأی‌گیری

نظام رأی‌گیری متشکل از دو قسم است: الف) رأی و نماینده تک‌حوزه‌ای در هر حوزه انتخابیه با روش اکثریت نسبی. ب) رأی و نمایندگی حزبی در سراسر کشور با روش تناسبی. با این توضیح که هنگام رأی‌گیری، شهروند در یک برگه رأی، دو رأی می‌دهد؛ هم به کاندیدای حوزه انتخابیه و هم به حزب مطلوب خود.

در این نظام حوزه‌های انتخابیه محلی براساس جمعیت و رعایت اصول حاکم بر تعیین حوزه‌های انتخابیه به صورت تک‌نماینده‌ای طراحی می‌شود. به عبارتی، هر استان به حوزه‌های انتخابیه متعددی تقسیم می‌شود و به هر حوزه انتخابیه یک کرسی اختصاص داده می‌شود. برای رعایت اصل برابری افراد و رعایت تناسب جمعیت، شهرهای بزرگ به چند حوزه انتخابیه در انطباق با تقسیمات شهری نظیر، نظام مناطق یا نواحی شهرداری، تقسیم می‌شوند. در هر حوزه انتخابیه کاندیداها به طور مستقل (خارج از لیست حزبی) برای برنده شدن به رقابت با یکدیگر می‌پردازند و بر اساس نظام نخست‌نفری هر کس که بیشترین رأی را کسب کرده باشد انتخاب خواهد شد.

قسم دوم الگو، یک حوزه انتخابیه سراسری در کل کشور است. به این صورت که همه احزاب، اقلیت‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های رسمی و قانونی در قالب نظام حزبی، لیست نامزدهای خود را برای کسب کرسی‌های پارلمان معرفی می‌کنند. در این شیوه از نظام تناسبی به روشی کاملاً ساده عمل می‌شود و در آن هر حزبی بر حسب درصد مشخصی از آراء، که حداقل ۵ درصد کل آراء است، صاحب کرسی نمایندگی می‌شود.

۲-۲-۵. تعداد نمایندگان

نمایندگان مجلس ۵۰۰ نفر است که ۲۵۰ نفر از طریق رأی اول، یعنی نظام تک‌نماینده‌ای و حوزه انتخابیه محلی و ۲۵۰ نفر از طریق رأی دوم، یعنی حوزه انتخابیه سراسری یا ملی برگزیده می‌شوند. البته اجرای این نظام منوط به اصلاح اصل ۶۴ قانون اساسی است. این اصل حکم به ۲۷۰ نفر نماینده و اضافه کردن نمایندگان را مشروط به گذشت ده سال با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر تا بیست نفر کرده است.

۲-۳-۵. موجه‌سازی الگو

الگوی پیشنهادی علاوه بر داشتن فواید نظام تناسبی و نظام اکثریتی، از اشکالات و معایب آنها مبرا است. در واقع این الگو، به دنبال رفع اشکالات و انتقادات نظام انتخاباتی فعلی است. دلایل پیشنهاد این الگو به شرح ذیل است:

الف) شکل‌گیری نمایندگی اصیل و بامعنا: در این نظام مردم طریق رأی اول، نمایندگان محلی در حوزه انتخابیه خود را گزینش می‌کنند. با اجرای چنین شیوه‌ای، کاندیداهایی رأی می‌آورند که نسبت به دیگران محلی‌تر و شناخته شده‌تر باشند. همچنین بر اساس شروط ایجابی، کاندیداها مقیم آنجا باشند. طبعاً نماینده منتخب در حوزه انتخابیه ضمن تسلط بر نیازها و خواسته‌های حوزه خود، به راحتی می‌تواند با شهروندان و خواسته‌های آنها ارتباط داشته باشد. همچنین دسترسی مردم به نماینده آسان می‌شود.

ب) کم هزینه شدن برگزاری انتخابات و فعالیت‌های انتخاباتی: به دلیل اینکه انتخابات در یک مرحله برگزار می‌شود، ضمن جلوگیری از هزینه مبالغ کلان، هزینه‌های کاندیداها در حوزه کاهش می‌یابد؛ چرا که اولاً آنان صرفاً در همان محدوده فعالیت و تبلیغات انتخاباتی می‌کنند؛ ثانیاً اقامت و سکونت در محل، آنها را از فعالیت‌های بی‌مورد و غیرعقلانی انتخاباتی دور می‌کند.

ج) رعایت اصل پاسخگویی: در این سیستم به دلیل مشخص و معین بودن تعداد جمعیت حوزه انتخابیه و شخص نماینده، نماینده در معرض قضاوت بهتر و راحت‌تر شهروندان حوزه انتخابیه قرار می‌گیرد؛ لذا نماینده مجبور به پاسخگویی به اعمال و تصمیمات خود در رفع مشکلات مردم و تأمین نیازهای آنها است؛ در حالی که در حوزه‌های چند نماینده‌ای مثل تهران، این پاسخگویی وجود ندارد.

د) رعایت انصاف نمایندگی و برابری شهروندان: در این نظام حوزه‌های انتخابیه بر اساس



جمعیت یکسان (با اندکی تغییرات مقبول) طراحی می‌شود، به نوعی که تعداد رأی‌دهندگان هر حوزه با هم برابر باشد.

ه) پرمعنا و اصالت داشتن گزینش و اصالت داشتن گزینش رأی‌دهنده: گزینش رأی‌دهنده بر اساس شناخت کافی صورت می‌گیرد؛ چون کاندیداها زیاد نیستند و امکان شناسایی آنها برای شهروندان حوزه راحت‌تر است. این امر باعث تحقق اصل گزینش واقعی رأی‌دهنده می‌شود.

و) ورود احزاب به فعالیت‌های انتخاباتی: ورود احزاب به فعالیت‌های انتخاباتی باعث سازماندهی خرده‌گرایش‌ها، قالب‌بندی گرایش‌ها در نظام فکری و منسجم و هدفمند کردن آراء شهروندان می‌شود. ورود احزاب به رقابت‌های انتخاباتی همچنین باعث توجه به گزینش برنامه و ایده‌ها می‌شود که چنین امری شکل‌گیری نمایندگی اصیل و پرمعنا را در پی خواهد داشت.

ز) حضور گروه‌ها و اقلیت‌ها: تمام گروه‌ها و اقلیت‌های شناخته شده، رسمی و قانونی می‌توانند وارد پارلمان شوند. این امر موجب بهبود و گسترش نظام مردم‌سالاری و تضمین حقوق اقلیت‌ها است.

ح) کارآمدی پارلمان: در این نظام دست‌کم نیمی از نمایندگان به وظایف نمایندگی توجه می‌کنند؛ یعنی توجه به منافع و مصالح ملی، صرف وقت خود برای قانونگذاری ملی و نظارت بر روند اداره امور کشور. این امر منجر به آن خواهد شد که قوانین پخته‌تر و سنجیده‌تر وضع شوند و تمام امور کشور نیز بهتر تحت نظارت عمومی پارلمان قرار گیرد. در این روش نمایندگان حوزه‌های انتخابیه محلی نیز بهتر می‌توانند در ارتباط با مشکلات و خواسته‌های محلی قرار گیرند و در انتقال آنها به پارلمان بهتر عمل کنند.

ط) افزایش مشارکت انتخاباتی: به دلیل اینکه شهروندان کاندیداهای محلی را از نزدیک می‌شناسند و به آنان تعلق خاطر دارند و نیز به این دلیل که می‌توانند به تحقق برنامه‌های ملی و تأمین منافع عمومی و وحدت ملی امیدوار باشند، میل بیشتری برای شرکت در انتخابات خواهند داشت.

ی) منطقی شدن فعالیت‌های انتخاباتی: به دلیل اینکه ایده و تفکرات حاکم در احزاب تقریباً ثابت است، مشکلی در ارائه برنامه‌ها و شعارهای انتخاباتی ندارند. از آنجا که احزاب در طول چند سال خود را به مردم شناسانده‌اند، مردم تا حدود زیادی با برنامه‌ها و مسیر فکری آنها آشنا هستند. از این رو، احزاب نیازی به فعالیت‌های گسترده تبلیغاتی ندارند و با

کمترین هزینه می‌توانند برنامه‌های خود را اعلام کنند و مورد قضاوت و ارزیابی گروه‌های مخالف و مردم قرار گیرند.

ک) ساده و قابل فهم بودن شمارش آراء: در این نظام، شهروندان در رأی اول نام یک نفر را در برگه رأی می‌نویسند و نفر اول در حوزه برنده انتخابات است؛ این کار شمارش را ساده می‌کند. در رأی دوم نیز صرفاً نام یک حزب نوشته می‌شود. تنها مشکلی که در شمارش ممکن است پیش آید، در نظام توزیع آراء و تخصیص کرسی‌های پارلمان بر حسب درصد آرای مأخوذه است که این امر با نظام دقیق و حساب شده رایانه‌ای قابل حل است (رک: فتحیان، ۱۳۱۷).

نتیجه



تحقق انتخابات اصیل، منصفانه و رقابتی مستلزم فراهم شدن زمینه‌ها و بسترهایی از جمله سازوکارها و نهادهای مردم‌سالار است. یکی از ارکان مهم انتخابات، نوع سیستم انتخاباتی برای تبدیل آرای مردم به کرسی‌های نمایندگی است. گزینش نظام انتخاباتی مطلوب تأثیر بسزایی در تحقق نظام اصیل مردم‌سالار، مجلس و دولت کارآمد، ثبات سیاسی، تضمین حداکثر مشارکت مردم و حقوق بنیادین بشر خواهد داشت. چنین گزینشی وابسته به عوامل مختلفی همچون رعایت اصول و قواعد حاکم بر انتخابات منصفانه و رقابتی، نوع نظام سیاسی و بافت فرهنگی، عقیدتی، جغرافیایی و قومی است.

بررسی انواع نظام‌های انتخاباتی و تجربه سایر کشورها، بهره‌مندی از اصول و معیارهای انتخابات منصفانه و رقابتی و عنایت به ظرفیت‌های قانون اساسی و ماهیت و ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران، این پاسخ را به پرسش‌های مقاله می‌دهد که نظام انتخاباتی فعلی مجلس شورای اسلامی، یعنی نظام اکثریتی، با اشکالات مواجه است که نمایندگی اصیل و مشارکت حداکثری مردم در تحقق پارلمانی کارآمد را فراهم نمی‌کند؛ لذا اصلاحاتی اساسی در نوع سیستم انتخاباتی ضروری است. اشکالات عمده نظام اکثریتی فعلی که دلایل کافی برای اصلاح نظام انتخاباتی را فراهم آورده، عبارت است از: پرهزینه بودن، تناسب نداشتن، حذف اقلیت‌ها، عدم حضور احزاب سیاسی، طولانی شدن فرایند انتخابات و نبود شفافیت و پاسخگویی.

در راستای اصلاح نظام انتخاباتی فعلی، نظام انتخاباتی ترکیبی «اکثریتی - تناسبی» به عنوان الگویی مطلوب و کارآمد که با موازین و ظرفیت‌های قانون اساسی و ماهیت

نظام جمهوری اسلامی هماهنگ است، پیشنهاد می‌شود. این نظام شامل رأی‌گیری دو رأیی است: یعنی رأی‌دهنده هنگام رأی دادن، دو گزینش و انتخاب را خواهد داشت؛ یک گزینش نماینده محلی با شیوه اکثریت نسبی و یک گزینش حزبی در سراسر کشور به شیوه تناسبی. چنین نظام و الگویی علاوه بر داشتن فواید نظام تناسبی و نظام اکثریتی، اشکالات و معایب این دو نظام را ندارند. در دفاع از این نظام می‌توان دلایل ذیل را عنوان کرد:

شکل‌گیری نمایندگی اصیل و با معنا؛ کم هزینه بودن برگزاری انتخابات و فعالیت‌های انتخاباتی؛ رعایت اصل پاسخگویی؛ رعایت انصاف نمایندگی و برابری شهروندان؛ پرمعنا بودن و اصالت داشتن گزینش رأی‌دهنده؛ ورود احزاب به فعالیت‌های انتخاباتی؛ حضور گروه‌ها و اقلیت‌ها در پارلمان؛ پارلمان کارآمد؛ افزایش مشارکت انتخاباتی؛ منطقی شدن فعالیت‌های انتخاباتی؛ شمارش بسیار ساده و قابل فهم آراء.

لازمه اجرای الگوی مذکور اصلاح اصل ۶۴ قانون اساسی و افزایش تعداد نمایندگان به ۵۰۰ نفر (۲۵۰ نفر نماینده محلی و ۲۵۰ نفر نماینده حزبی) است. همچنین نظام حوزه‌بندی باید تغییر کند. به این صورت که ۲۵۰ کرسی محلی بین استان‌های کشور بر حسب معیار جمعیت توزیع شود، به طوری که هر حوزه یک کرسی در پارلمان داشته باشد؛ برای مثال باید شهرهای بزرگ به چند حوزه تقسیم شوند. در این نظام احزاب سیاسی نیز کاندیداهای خود را در سطح ملی معرفی می‌کنند.

منابع

۱. احمدی، علی (۱۳۸۹)، *انتخابات در ایران، بررسی حقوقی و قانونی*، تهران: میزان.
۲. ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۸)، «نشانه‌ها و ویژگی‌های نظام انتخاباتی کارآمد: اصلاح قوانین انتخاباتی»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۴۷ - ۱۴۸.
۳. _____، (۱۳۷۸)، «نظام‌های مختلف انتخاباتی جهان در آئینه نقد و بررسی»، *مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی، کتاب دوم؛ تحزب در ایران انتخابات، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، انتشارات همشهری*.
۴. _____، (۱۳۷۹)، *اکثریت چگونه حکومت می‌کنند؟*، تهران: انتشارات سروش.
۵. بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، *دولت عقل: ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی*، تهران: نشر علوم نوین.
۶. _____، (۱۳۸۱)، *درس‌های دموکراسی برای همه، چ دوم*، تهران: نگاه معاصر.
۷. بزرگمهری، مجید (۱۳۸۵)، *بررسی تطبیقی نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه (مجالس قانون‌گذاری ملی و ریاست جمهوری)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۸. بهبهانی نیا، افشین (۱۳۸۲)، *الگوی کارآمد نظام‌های انتخاباتی و چالش‌های نظام انتخاباتی ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.
۹. حبیب نژاد، احمد (۱۳۹۰)، *انتخابات نمایندگی مجلس*، تهران: کانون اندیشه جوان.
۱۰. خسروی، حسن (۱۳۸۷)، *حقوق انتخابات دموکراتیک*، تهران: انتشارات مجد.
۱۱. خانمحمدی، یوسف (۱۳۹۲)، *فرهنگ سیاسی و رفتار انتخاباتی: مردم ایران چگونه در انتخابات ریاست جمهوری رای می‌دهند؟*، تهران: خرسندی، ۱۳۹۲.
۱۲. خرمشاد، محمدباقر و رفیعی قهساره، ابودر (۱۳۹۲)، «نظام انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی»، *مجله جستارهای سیاسی معاصر*، سال چهارم، شماره سوم.
۱۳. خلیلی، عبدالرضا (۱۳۹۱)، *انتخابات، تعادل و ثبات سیاسی*، تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش.
۱۴. زیرایی، رضا و همکاران (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی: تعریف متغیرهای کیفی برای انتخابات»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۱۶، شماره دوم.



۱۵. راسخ، محمد (۱۳۸۰)، *تقریرات درس نظام‌های انتخاباتی*، دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۶. رضایی، سوده (۱۳۹۳)، *فرآیند انتخابات مجلس شورای اسلامی در بوته بازنگری (با تأکید بر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی)*، تهران: جاوید علم.
۱۷. رنلدز، اندرو و همکاران (۱۳۹۱)، *دانشنامه نظام‌های انتخاباتی*، ترجمه ابوذر رفیعی قهساره، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۸. رنی، آستین (۱۳۷۴)، *حکومت: آشنایی با علم سیاست*، ترجمه لیلا سازگار، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۹. سائلی کرده ده، مجید (۱۳۷۸)، *سیر تحول قوانین انتخاباتی در ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۰. صادقی، احمد (۱۳۹۴)، *دموکراسی و نظام انتخاباتی امریکا*، تهران: کانون اندیشه جوان.
۲۱. صمدی، سعید (۱۳۷۴)، *بررسی تطبیقی قانون انتخابات ۱۱۰ کشور جهان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم سیاسی.
۲۲. غفوری، محمد (۱۳۷۸)، «آیین‌های حزبی و آیین‌های انتخاباتی»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۴۷ - ۱۴۸.
۲۳. عباسی، بیژن (۱۳۸۸)، *مبانی حقوق اساسی*، تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
۲۴. عادل پناهی، محمد (۱۳۸۱)، *نظام‌های انتخاباتی و ثبات سیاسی؛ الگویی برای اصلاح نظام انتخاباتی ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق، دانشکده علوم سیاسی.
۲۵. فتحیان، محمد و منیرالسادت تقوی (۱۳۸۷)، *انتخابات الکترونیکی (بایسته‌ها و شیوه‌ها)*، تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها.
۲۶. قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۲)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، چ چهارم، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. گروه مؤلفان (۱۳۹۰)، *جریان‌شناسی انتخابات: تحلیلی بر آرایش سیاسی انتخابات مجلس نهم*، تهران: شهید آوینی.
۲۸. گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۸)، *بررسی تطبیقی نظام‌های انتخاباتی*، تهران: ابرار معاصر تهران.

۲۹. گودوین گیل، گای. اس (۱۳۷۹)، *انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین المللی*، ترجمه سید جمال سیفی و سید قاسم زمانی، تهران: شهر دانش.
۳۰. لاندل، کریستر (۱۳۸۹)، *عوامل موقعیتی گزینش نظام انتخابات: مطالعه مقایسه‌های کلان*، ترجمه علیرضا عیاری، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
۳۱. معاونت حقوقی ریاست جمهوری (۱۳۸۶)، *مجموعه قوانین و مقررات انتخابات مجلس شورای اسلامی*، تهران: انتشارات اداره کل تدوین و تنقیح قوانین ریاست جمهوری، چ سوم.
۳۲. موسوی، سید رضا (۱۳۹۰)، *بررسی طرح نظام جامع انتخابات در مقررات فعلی*، تهران: دوران‌دیشان.
۳۳. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۳)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، چ هشتم، ج ۲، تهران: نشر میزان.
۳۴. هوروویتز، دونالد. ال (۱۳۸۶)، «نظام‌های انتخاباتی و اهدافشان»، ترجمه مسلم آقای طوق، نشریه حقوق اساسی، سال ۴، ش ۸.

35. Amy, Douglas. J. (2005), "How Proportional Representation Elections Work?", [www. mtholyone. edu/acad/polit /damy/ BeginningReading /howprwor. Htm](http://www.mtholyone.edu/acad/polit/damy/BeginningReading/howprwor.Htm).
36. Benoit, Kenneth (2004), "Models of Electoral System Change", *Eelectoral Studies Journal*, 23. www. elsevier. com/located/ elecstud.pdf.
37. Blais and Poewen (2003), "Electoral System and Evaluations of Democracy", www. crecee. umontreal. Ca.pdf.
38. Courtney, John C. (1999), "Plurality - Majority Electoral Systems", University of Saskatchewan, Canada, www. elections. cal10i/sys/courtney-e.pdf.
39. Citizen's Assembly on Electoral Reform (Ontario) (2006), "Principles and Characteristics of Electoral System", www.citizensassembly. gov.on.ca. pdf.
40. Farrell, David M. (2001), *Electoral Systems*, New York: Palgrave Press.
41. Harrop, Martin and Miller W. L. (1987), *Election and Voter: A Comparative Introduction*, London: Macmillan Press.
42. International Institute for Democracy and Electoral Assistance (IDEA), (2005), "Principles of Electoral System Choice", www.unpal. un. org. / lintredoel / groups / public / documents / un /



UNPANO 020452. pdf.

43. International Institute for Democracy and Electoral Assistance (IDEA), (2002) "International Electoral Standard", http://www.idea.int/publications/ies/upload/electoral_guidelines-2.pdf.

44. Kim, Iin.H, (2006), "A welfare Analysis of Mixed - Member Electoral System", Cornell University, www.pubchoicesoc.org/papers-2006/kim.pdf.

45. Kumar Sumal, Krishna (2007), "First- Past - The - Post Eelectoral System", Kathmandu School of Law Nepal, www.ksl.edu.np/ca-students-article.asp.pdf

46. LeDue, Lawrence, and Niemi, Richard C. and Norris, Pippa (2003), *Comparing Democracies 2*, London: SAGE Publication.

47. Lijiphart, Arend (1995), *Electoral System and Party Systems: A Study of Twenty-Seven Democracies, 1945-1990*, Oxford: Oxford University Press.

48. Lijiphart, Arend (1995) "Electoral Systems", In Seymour M. Lipset (ed), *The Encyclopedia of Democracy*, London: Rutledge Press.

49. Lipsey and Others (1998), "The Report of the Independent Commission on The Voting System", London, www.makemyvote.org.uk/opus16/voll.pdf.

50. MacIvor, Heather (1999), "Proportional and Semi-Proportional Electoral Systems", Canada, Ottawa, University of Windsor, www.elections.ca/oi/sy3/macivor-e.pdf.

51. Norris, Pippa(1997), "Choosing Electoral System", Harvard University, *International Science Review*, Vol 18(3), www.ksg.harvard.edu/people/penDrris.html

52. Reed and Thies (2002), "The Cause of Electoral Reform in Japan", in *mixed - Member Electoral Systems*, ed: Matthew Soberg Shougart and Martin P. Wattenberg, Oxford: Oxford University Press.

53. Reynolds, Andrew (2006), "Guiding Principles of Electoral Systems", www.ACE.org/Eeetoral_systems.html.

54. Reynolds, Andrew, and Reilly B (1997)., *The International IDEA Handbook of Electoral System Design*, International Institute to Democracy and Electoral Assistance (IDEA), Stockholm, Sweden, www.truthmoker.com.au/pdf/c.NSW-elections.Pdf.

55. Rose, Richard (2000), *The International Encyclopedia of Elections*, Oxford: Macmillan Press.

56. Shugart, Matthew.S(2002), “Mixed - Member Electoral Systems: A Definition and Typology”, in *Mixed - Member Electoral Systems*, Edited by: Matthew Soberg Shougart and Martin P. Wattenberg, Oxford: Oxford University Press.

57. Scarrow, Susant (2002), “Germany: The Mixed - Member System as Political Compromise”, in *Mixed - Member Electoral Systems*, Edited by: Matthew Soberg Shougart and Martin P. Wattenberg, Oxford: Oxford University Press.



سال هجدهم / هفتاد و یکم / پاییز ۹۴